

امکانات و توانایی های جمهوریخواهان دموکرات و لائیک

کیومرث صابغی

سه‌شنبه ۳ اسفند ۱۳۸۹ - ۲۲ فوریه ۲۰۱۱

در بررسی های تحلیلی و نظری متداول بین قلم زنان سیاسیون خارج از کشور دونوع نگارش اساسی مرسوم است:

نوع اول سبکی است که در آن زبان بر موضوع برتری مییابد. این سبک انچنان سرگرم "زیبا نویسی" میشود که نهایتا زبان متن مقلق و عموما گسسته است. البته در مواردی هم میتواند تسلسل را تا به آخر به بهای تکرار حفظ کند. این سبک نگارش میتواند به راحتی سهل گرا و خرده نگر (REDUCTIONISM) شده ریز بینی های لازم را یا نادیده بگذرد و یا کم اهمیت تلقی کند. به کلام دیگر اگر هم حرفی برای گفتن میداشت ناگفته بماند.

نوع دوم سبکی است که در آن پیچیدگی، بخوانید "ارعاب"، موضوئی برتری مییابد. نگارش گران این سبک عمدتا مسائل را، به شیوه نگارش زبانهای لاتینی به زبان فارسی بر میگردانند. قلم زنان این سبک برای توضیح نکات مشابه لاتینی آنها در فارسی با آغاز از ریشه خانوادگی لغات به استفاده از واژگانهای نه مانوس، در بسیاری موارد غیر ضروری و جا به جایی که خود نیاز به توضیح بیشتر در آن معبر دارد، پرداخته، مباحثی را که میشود در چند پاراگراف حلاجی کرد به چندین صفحه میکشانند. نتیجه آنکه متن بیش از آن که سیاسی و یا زمانی بیان شود، ارسطویی جلوه مییابد و حوصله را بر خوانندگان تنگ میکنند. گفته این نگارش گران در موارد زیادی نا خواننده میماند. اینکه ایراد در زبان شیرین فارسی است یا در شیرین نویسان فارسی زبان، جای گفتگوی دیگری است.

اما سبک دیگری هم هست که در آن رعایت خوب نویسی، یعنی حفظ اصول نگارشی، دستوری و اختصار زبانی به کار برده میشود. نتیجه آن که متن مورد نظر آن گونه که نیت نویسنده است به کار گرفته میشود. اینکه چرا این مقدمه را برای توضیح نظری که در ذهن داشتم ضروری دانستم، بیشتر از اینکه جهت بود که وقتی صحبت از چه میتوان کرد های جمهوری خواهان دموکرات و لائیک پیش میاید، بر پیچیدگی های فلسفی-تئوریک "بود" و یا "نبود" باید فائق آمد. چگونه؟

قبل از هر چیز باید بگویم پر آینده باد تکنولوژی جدید که نه تنها مرزهای کشورها را از بین برد و انسانها را به هم نزدیک کرد، که

نتیجتاً به کاهش تعصبات و برتری طلبی های کور انجامید، بلکه وسیله ای برای انتقال بدون خدشه، سریع و گهگاه حیاتی اخبار و اتفاقات گشت. اهمیت این امر از آن جهت است که اگر زمانی نه چندان دور تحلیل های فلسفی به دلیل خشک نگری و یا فرا نگری، به نا پاسخی و راه نایابی ها میانجامید، امروز معادله تلافی "نظر- تجربه" چند سویه امکان راه یابی و واقع بینانه نگری را چند برابر کرده است. از آن میان است بررسی امکانات و توانمندیهای جمهوری خواهان دموکرات و لائیک.

به گمان من، ما در گذشته از آنچه برون مرزی نامیده میشدیم که فاصله خبر تا واقع چندین هزار کیلومتر بود و این خط طولانی میتوانست ما را دچار ذهنی گری و یا فانتزیهای تئوریک-سیاسی نماید. بیشک دوستانی که از سالهای ۱۹۶۰ میلادی در سازمانهای سیاسی و دانشجویی فعال بودند و با رویه تماس با داخل از طریق استفاده از ریز نویسی، میکروفیلم، کدنویسی و کدگویی و قرار گذاری ها و خطر انداختن روابط، آشنا هستند میدانند که با چه زحمتی و در مدت زمانی مطلبی به ایران انتقال مییافت. و به همین منوال، خبری کهنه و یا چند دست گشته به این سوی آب میرسید. امروز اما به یآوری تکنولوژی نو خیزش مردمی تونس در کوه زمانی تا خاور میانه راه یافت. روشن است که این جهانی شدن زوال تاریخ استبداد گرایان از یکسو و دموکراتیک شدن حرکت های اجتماعی، و نه ایدولوژیک بودن آن، از سوی دیگر است که سبب خیزش ها، مقاومت های مدنی و نهایتاً تغییر رژیم ها شده است. اما ابزار ارتباطاتی نو نقشی آفریننده در پرورش و گسترش مسایل، اخبار و چه باید کرد ها یافته اند. لازم به یاد آوری برای کسانی که هنوز در تعیین نرخ و شتاب این جنبش ها به دنبال سر نخ معادلات و مبادلات جناح های نفتی و مالی، تسلیحاتی و صنایع داخلی و سایر تقسیم بندی ها جناحی امپریالیسم بین المللی میگرددند است، و بی شک کماکان در این کشور ها در قید حیاتند، که همان گونه که استعمار کهنه در نتیجه مالی شدن سرمایه و مقاومت های مردم کشور های تحت استعمار سیاستش به ناچار تغییر یافت، و به جای ارسال کودتا گر، ایلچی، فرمانده و مستشار، به حمایت از مستبدین پرداخت، امروز هم در نتیجه جهانی شدن سرمایه از یکسو و جهانی شدن مقاومت های مردمی از سوی دیگر، ثباتی را که زمانی خود بانی آفرینش و یا اسباب ادامه اش بودند از دست داده اند. نمونه آن، ناتوانایی ارتش امریکا است در پایان دادن به معرکه ای که به عنوان آخرین تیر ترکش امپریالیسم به گل نشسته است. از این روست که به اعتقاد من ما جمهوری خواهان دموکرات و لائیک به عوض به دنبال گشتن دلایل چرا نتوان ها باید به چه گونه میتوان ها پردازم

و خود را از بار خارج از کشوری بودن بیرون کشیده به همت ابزار و امکان تماس های که به آسانی در اختیار همگان هست در اداره و پیش برد نظراتمان مدیر بدانیم. تاکید بر گسست و خارج کشوری بودن سیاستی واقع بینانه در ۳۲ سال پیش بود. امروز اما اشاره به ان شانه خالی کردن از بار مسولیت (در صورت فعال سیاسی بودن)، طفره رفتن از پرداختن به مسائل در حال زایش (در صورت پذیرش نقش روشنفکری برای خود) و طلاق و جدایی از واقعیت ها و پرداختن به مسائل فلسفی به علت سهولت زیست با آن است .